

**The West's Role in the 2014 and 2022 Ukrainian Crises
and their Prolongation**

Saeed Vosoughi

Associate Professor of International Relations, Faculty of
Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan,
Isfahan, Iran

Ali Mousaei*

Ph. D. in International Relations, Faculty of Administrative Sciences
and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

(Date received: 25 July 2024 - Date approved: 15 December 2024)

Abstract

Introduction: Researchers have divided the cause of the 2014 and 2022 Crises in Ukraine into three categories. Some have attributed the 2014 and 2022 crises in Ukraine to Russia's efforts to prevent the expansion of the European Union and NATO and the bordering of these institutions with this country and another group links the cause of these crises to Russia's desire to gain power and return to the greatness of Soviet era, as well as Ukraine's western policies. But from the authors' perspective, the cause of these crises should also be examined from another perspective, which is the role of the West in the emergence of these crises and their prolongation. Accordingly, this article attempts to analyze the West's role in the occurrence of the 2014 and 2022 crises in Ukraine and their prolongation, using the propositions of the theory of offensive realism.

*E-mail: a.mousaei@ase.ui.ac.ir (Corresponding Author)

Research question: What role did the West play in the outbreak and prolongation of the 2014 and 2022 crises in Ukraine?

Research hypothesis: The research hypothesis is because the West, through three strategies of baiting, balancing, intervention, prepared the ground for the 2014 and 2022 crises in Ukraine and their prolongation in order to prevent Russia from gaining power.

Methodology and theoretical framework: A qualitative multiple case study method was used to answer the research question and test the hypothesis. The data was collected using a library resource and analyzed using a descriptive-analytical approach within the framework of the theory of offensive realism.

Results and discussion: The results indicated that the different strategies have been used by the West to prevent Russia from prolonging its presence on Ukrainian territory and impact the situation. However, so far results are not in favor of the West and Russia has the upper hand in Ukraine. Of course, the future of the Ukrainian crisis is not so clear and has complications for both sides. In fact, Ukraine has effectively played the role of two poles of power, a victim of the competition between Russia and the West and a prey and tool for the West's goals against Russia.

Conclusion: According to the propositions of offensive realism, achieving a position of hegemony is the goal of great powers. Great powers always try to become hegemon by increasing their power and when they become hegemons, they use various strategies to increase their power and manage and control their rivals to prevent the hegemony of other powers.

In fact, the West has always tried to take full advantage of the country's desire to get closer to the West by inciting and encouraging Ukrainian officials to join Western institutions in line with its strategic goal of expanding its sphere of influence in Eastern Europe, and geopolitically encircling Russia, in this regard Ukraine has been a tool in the hands of the West to use this country's card to counter its traditional threat. Therefore, after independence, this country has always been the scene of competition between the West and Russia and has witnessed serious conflicts and various political-security crises.

Keywords:

Bloodletting, Baiting, Balancing, Crisis, Offensive Realism, Ukraine.

نقش غرب در بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین

و طولانی شدن آن‌ها

سعید وثوقی

دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

علی موسائی^۱

دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵)

چکیده

از زمان رخداد بحران ۲۰۱۴ و حمله نظامی روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، پژوهشگران تلاش کرده‌اند دلایل ایجاد این بحران‌ها را واکاوی کنند و به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند. گروهی علت شکل‌گیری بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین را تلاش روسیه برای جلوگیری از گسترش اتحادیه اروپا و ناتو و هم‌مرز شدن آن‌ها با این کشور دانسته‌اند. گروهی دیگر، علت ایجاد این بحران‌ها را به تمایل روسیه به قدرت‌یابی و بازگشت به بزرگی دوران شوروی و سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین مربوط دانسته‌اند. در این نوشتار می‌خواهیم از دیدگاهی دیگر به این پرسش پاسخ دهیم. هدف اصلی این نوشتار، یافتن پاسخ این پرسش است که غرب چه نقشی در ایجاد بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین و طولانی شدن آن‌ها داشته است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که غرب با سه راهبرد طعمه‌گذاری، موازنه‌سازی و مداخله‌های جانبدارانه زمینه را برای ایجاد بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین و طولانی شدن آن‌ها فراهم کرده است، تا از این راه از قدرت‌یابی روسیه جلوگیری کند. یافته‌های نویسندگان نشان می‌دهد که اوکراین همواره از زمان استقلال، ابزاری در دست غرب بوده است تا با استفاده از آن روسیه را تضعیف کند و برای رسیدن به این هدف از سه راهبرد طعمه‌گذاری، موازنه‌سازی و مداخله‌جویی هدفمند استفاده شده است. در این نوشتار از روش کیفی مطالعه موردی چندگانه بهره گرفته‌ایم. داده‌ها نیز به با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری و با رویکردی توصیفی تحلیلی در بستر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی تجزیه و تحلیل شده است.

واژگان اصلی: مداخله‌جویی، طعمه‌گذاری، موازنه‌سازی بحران، واقع‌گرایی تهاجمی، اوکراین.

مقدمه

از فروپاشی نظام دوقطبی و پایان درگیری‌های شرق و غرب هنوز بیش از دو دهه نگذشته بود که بحران‌های اوکراین در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ نشانه‌هایی از بازگشت به گذشته را نمایان کرد. البته ریشه اصلی آن در تناقضی^۱ آشکار، به بعد از فروپاشی شوروی و نظام دوقطبی برمی‌گردد که روسیه و غرب (اتحادیه اروپا، آمریکا و بازوی نظامی آن ناتو) درگیر رقابت بر سر نفوذ در حوزه شوروی شدند. رقابتی که در آن هدف‌هایی متضاد را دنبال می‌کردند. هدف روسیه در جهت نفوذ در حوزه پیشین شوروی، بازبانی قدرت ازدست‌رفته و هدف غرب، جلوگیری از رسیدن روسیه به این هدف بود. غرب به‌ویژه آمریکا از زمان فروپاشی شوروی با هدف حفظ موقعیت و هژمونی^۲ خود در نظام بین‌الملل، به دنبال نفوذ و غربی‌سازی کشورهای حوزه خارج نزدیک^۳ برای جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه و تضعیف آن بوده است.

در این میان، اوکراین به دلیل موقعیت و اهمیت هویتی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برای دو طرف، بهترین کشور از میان کشورهای بازمانده از اتحاد شوروی است که می‌تواند دو طرف را به هدف‌هایشان برساند. در همین زمینه، اوکراین بعد از استقلال، بدون در نظر گرفتن الزام‌های سیاست خارجی خود، تمایل شدیدی در جهت حرکت به سمت غرب از خود نشان داد و در جهت دور شدن از روسیه و نزدیک شدن به نهادهای غربی گام برداشت. راهبردی که فرصت مناسبی برای غرب به وجود آورد تا به هدف اصلی خود که جلوگیری از قدرت‌یابی روسیه با محاصره و محدود کردن قلمروهای ژئوپلیتیکی این کشور بود، با سرعت بیشتری گام بردارد. رقابت روسیه و غرب در اروپای شرقی به‌ویژه منطقه خارج نزدیک، در عمل سبب شده است اوکراین زمین بازی این دو قطب قدرت و قربانی رقابت روسیه و غرب شود. به طوری که این کشور همواره پس از استقلال، صحنه رقابت غرب و روسیه و شاهد بروز تعارض‌های جدی و بحران‌های سیاسی امنیتی مانند رویدادهای انقلاب نارنجی ۲۰۰۴، انقلاب آبی ۲۰۰۶ و بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ بوده است.

^۱. Paradox

^۲. Hegemony

^۳. Near Abroad

این نوشتار در سه بخش تنظیم شده است: در بخش اول، پیشینه پژوهش را بررسی می‌کنیم. در بخش دوم، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی^۱ را به‌عنوان چارچوب نظری تشریح می‌کنیم. در بخش سوم، با بهره‌گیری از روش مطالعه موردی چندگانه^۲، مصداق‌های سه راهبرد طعمه‌گذاری^۳، موازنه‌سازی^۴ و مداخله‌جویی^۵ مورد استفاده غرب علیه روسیه را بیان می‌کنیم تا از این راه نقش این سه راهبرد در زمینه ایجاد بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین و طولانی‌شدن آن‌ها مشخص شود.

پیشینه پژوهش

از زمان شکل‌گیری بحران ۲۰۱۴ و حمله نظامی روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ آثار بسیاری منتشر شده است. با نگاهی به این آثار می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد. دسته نخست آثاری هستند که علت رخداد بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین را مربوط با خواسته‌های روسیه در جهت قدرت‌یابی و بازگشت به عظمت دوران شوروی بررسی و تبیین کرده‌اند. دسته دوم آثاری هستند که علت ایجاد این بحران‌ها را در جهت جلوگیری روسیه از گسترش اتحادیه اروپا و ناتو به سمت مرزهای امنیتی این کشور دانسته‌اند. دسته سوم، آثاری هستند که ریشه رخداد این بحران‌ها را با سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین در ارتباط می‌دانند. در ادامه تعدادی از این آثار را مرور می‌کنیم.

موسائی، یزدانی و بصیری (۲۰۲۳) در مقاله «اهمیت اوکراین و نقش آن در رقابت و تقابل میان روسیه و غرب» می‌نویسند هدف کلان و راهبردی روسیه از زمان فروپاشی شوروی، بازگشت به عظمت دوران شوروی بوده است. بر همین اساس، همواره تلاش کرده است تا از ویژگی‌های هویتی، ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و اقتصادی اوکراین در جهت دستیابی به هدف خود استفاده کند. کرمی و سورتچی (۲۰۲۳) در مقاله «رقابت راهبردی روسیه و آمریکا: ابعاد و پیامدهای بین‌المللی» رقابت مسکو و واشینگتن بر سر مفهوم ثبات راهبردی جهانی مبتنی بر همپایگی راهبردی دوران جنگ سرد در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ که آمریکا از دهه ۱۹۹۰ آن را منکر شده و به تدریج از زیر بار تعهدهای

1. Offensive Realism
 2. Multiple Case studies
 3. Baiting
 4. Balancing
 5. Bloodletting

آن خارج شده را علت نظامی‌گری روسیه و حمله به اوکراین دانسته‌اند. گوتز و استون^۱ (۲۰۲۲) در مقاله «چرا روسیه به اوکراین حمله کرد: فرهنگ راهبردی و روایت‌های افراطی» علت حمله روسیه به اوکراین را وجود دو رشته در فرهنگ راهبردی^۲ روسیه دانسته‌اند. این دو رشته که بر مبنای احساس عمیق آسیب‌پذیری این کشور در مقابل غرب و شناسایی به‌عنوان قدرتی بزرگ استوار است، سبب حمله روسیه به اوکراین شد. زیرا این دو رشته سبب اهمیت داشتن عمق راهبردی و مناطق حائل برای روسیه شده است. دمیر^۳ (۲۰۲۲) در مقاله «جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین: دلایل و پیامدها» علت جنگ اوکراین را تمایل اوکراین به عضویت در ناتو و تلاش روسیه در جهت بازگرداندن هژمونی خود در جغرافیای شوروی دانسته است.

باقری و کاظمی (۲۰۲۳) در مقاله «امنیتی‌سازی دوباره روسیه توسط ناتو و کشورهای غربی براساس نظریه امنیت جمعی» به این نتیجه رسیده‌اند که پس از پیوسته‌سازی کریمه به روسیه، ناتو روسیه را تهدیدی جدی شناسایی کرد، بنابراین جنگ جدید اوکراین به‌نوعی تلاش غرب برای اقدام جمعی علیه روسیه بوده است. مرشایمر^۴ (۲۰۲۲) در مقاله «علت‌ها و پیامدهای جنگ اوکراین» آمریکا را مسئول اصلی جنگ اوکراین دانسته است که تلاش می‌کند بدون توجه به حساسیت‌های امنیتی روسیه، اوکراین را عضو ناتو کند. اعتصامی، کرمی و رضایی‌وند (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک اوکراین و منافع قدرت‌های بزرگ» می‌گویند اوکراین مهم‌ترین کشور اروپای شرقی از نظر ژئوپلیتیکی و پل ارتباطی میان اروپا و روسیه محسوب می‌شود. اهمیت و موقعیتی که به روسیه و غرب این توانایی را می‌دهد تا با آوردن اوکراین در جبهه خود به بهترین شکل به هدف‌های خود دست یابند.

دهقانی فیروزآبادی و مرادی (۲۰۱۶) در مقاله «تهدید غرب، برداشت روسیه و بحران اوکراین» معتقدند که برداشت روسیه از تهدید غرب، مهم‌ترین علت اقدام‌های روسیه در بحران ۲۰۱۴ اوکراین است. این برداشت نسبت به تهدید غرب، براساس برنامه‌ها و اقدام‌های آمریکا و اتحادیه اروپا مبتنی بر گسترش ناتو، گسترش اتحادیه اروپا و گسترش ارزش‌های غربی شکل گرفته است. گوتز (۲۰۱۸) در مقاله «این ژئوپلیتیک

1. Götzt & Staun

2. Strategic Culture

3. Sertif Demir

4. John Mearsheimer

است، حماقت بار: توضیح سیاست روسیه در اوکراین» با به‌چالش کشیدن دیدگاه‌هایی که پیشینه امنیتی پوتین^۱ را عامل اقدام‌های روسیه در اوکراین می‌دانند، می‌نویسد یکی از محرک‌های اصلی سیاست روسیه در برابر اوکراین، جهت‌گیری‌های غرب‌گرایانه دولت‌های اوکراین بدون توجه به حساسیت‌های امنیتی روسیه است. در همین زمینه کرم‌زادی و خوانساری فرد (۲۰۱۵) در مقاله «بررسی روابط اوکراین و روسیه: ریشه‌یابی زمینه‌های بحران ۲۰۱۴» به این نتیجه رسیده‌اند که اوکراین همواره پس از استقلال با کاربست سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه به سمت غرب، چشم خود را بر محدودیت‌های موجود در عرصه سیاست خارجی خود بسته و بی‌توجه به اهمیتش برای روسیه، موجب جداشدن بخشی از خاک خود و پیوسته‌سازی کریمه به فدراسیون روسیه شد.

با نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین، به این نکته می‌توان پی برد که تأکید بر خواسته‌های روسیه در جهت بازگشت به دوران شوروی، جلوگیری از گسترش نهادهای غربی به سمت مرزهای امنیتی روسیه و سیاست‌های غرب‌گرایانه اوکراین است؛ اما در این مقاله تلاش می‌کنیم از زاویه‌ای دیگر به علت ایجاد این بحران‌ها پردازیم. به طوری که نقش غرب در زمینه‌چینی برای ایجاد این بحران‌ها را بررسی کنیم و به علت‌های طولانی‌شدن این بحران‌ها نیز پردازیم.

چارچوب نظری

از دیدگاه واقع‌گرایی تهاجمی دولت‌ها در اساس رقیب یکدیگر هستند و دلیل آن در پنج مورد خلاصه می‌شود: ساختار آنارشیک^۲ نظام بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی که قدرت‌های بزرگ از آن برخوردارند، اطمینان‌نداشتن در مورد نیابت و هدف‌های دولت‌ها، تضمین بقا و عقلانی‌بودن قدرت‌های بزرگ. این پنج عامل زمانی که باهم ترکیب می‌شوند ضمن اینکه انگیزه‌های قوی برای رفتار و افکار تهاجم‌آمیز قدرت‌های بزرگ در برابر یکدیگر را به وجود می‌آورند، به ایجاد سه الگوی رفتاری ترس، خودیاری^۳ و به‌حداکثر رساندن قدرت نیز می‌انجامند. زیرا در محیط آنارشیک همواره احتمال جنگ و به خطر افتادن بقای کشورها وجود دارد. بنابراین هر کشور برای اینکه

1. Vladimir Putin

2. Anarchic

3. Self-Help

بخواهد بقایش تأمین شود، باید به فکر حداکثرکردن قدرت به صورت مطلق و تا حد امکان باشد (Mearsheimer, 2015: 33-42).

مرشایمر در همین زمینه عنوان می‌کند که رسیدن به جایگاه هژمون، هدف نهایی قدرت‌های بزرگ است. قدرت‌های بزرگ همواره تلاش می‌کنند با افزایش قدرت خود، تبدیل به هژمون شوند و برای دستیابی به این هدف از دو راهبرد استفاده می‌کنند: اولین راهبرد افزایش هرچه بیشتر قدرت نسبی خود و راهبرد دوم، جلوگیری از افزایش قدرت رقیبان است و زمانی که تبدیل به هژمون شدند از هژمون شدن قدرت‌های دیگر به وسیله دو نوع راهبرد کلی جلوگیری می‌کنند: ۱. راهبرد افزایش قدرت که جنگ، باج‌گیری،^۱ مداخله‌جویی، طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش را در برمی‌گیرد. ۲. راهبرد مدیریت و کنترل که شامل موازنه‌سازی، ساکت‌سازی،^۲ دنباله‌روی^۳ و واگذاری مسئولیت^۴ می‌شود (Mearsheimer, 2015: 153-186).

براساس این گزاره‌ها، علت تصمیم روسیه برای پیوسته‌سازی شبه‌جزیره کریمه و حمله نظامی به اوکراین و علت طولانی شدن این بحران‌ها تبیین‌پذیر است. روسیه و غرب با نگرشی امنیتی و قدرت‌محور منطقه اوراسیا به‌ویژه حوزه «خارج نزدیک» را می‌بینند و براساس منافع و تهدیدهای خویش، سیاست‌ها و اقدام‌های خود را در این مناطق به‌کار گرفته‌اند که در آن براساس قاعده بازی با حاصل جمع صفر تلاش می‌کنند برای تقویت نفوذ خود و جلوگیری از نفوذ دیگری در این مناطق در راستای هدف‌های نهایی خود گام بردارند. هدف نهایی روسیه از نفوذ در منطقه اوراسیا به‌ویژه حوزه خارج نزدیک، استفاده از موقعیت و ویژگی‌های این مناطق در جهت قدرت‌یابی دوباره و هدف اصلی غرب به‌ویژه آمریکا به‌عنوان هژمون کنونی، جلوگیری از دستیابی روسیه به این هدف است. اوکراین یکی از جمهوری‌های مهم خارج نزدیک است که به دلیل ویژگی‌ها و اهمیتی که برای دستیابی به هدف‌های مورد اشاره برای دو طرف دارد، همواره پس از استقلال، صحنه رقابت و تقابل غرب و روسیه و بروز تعارض‌های جدی و بحران‌های سیاسی امنیتی مختلف بوده است. با توجه به گزاره‌های نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، سه راهبرد طعمه‌گذاری، موازنه‌سازی و مداخله‌جویی راهبردهایی هستند که غرب به‌ویژه

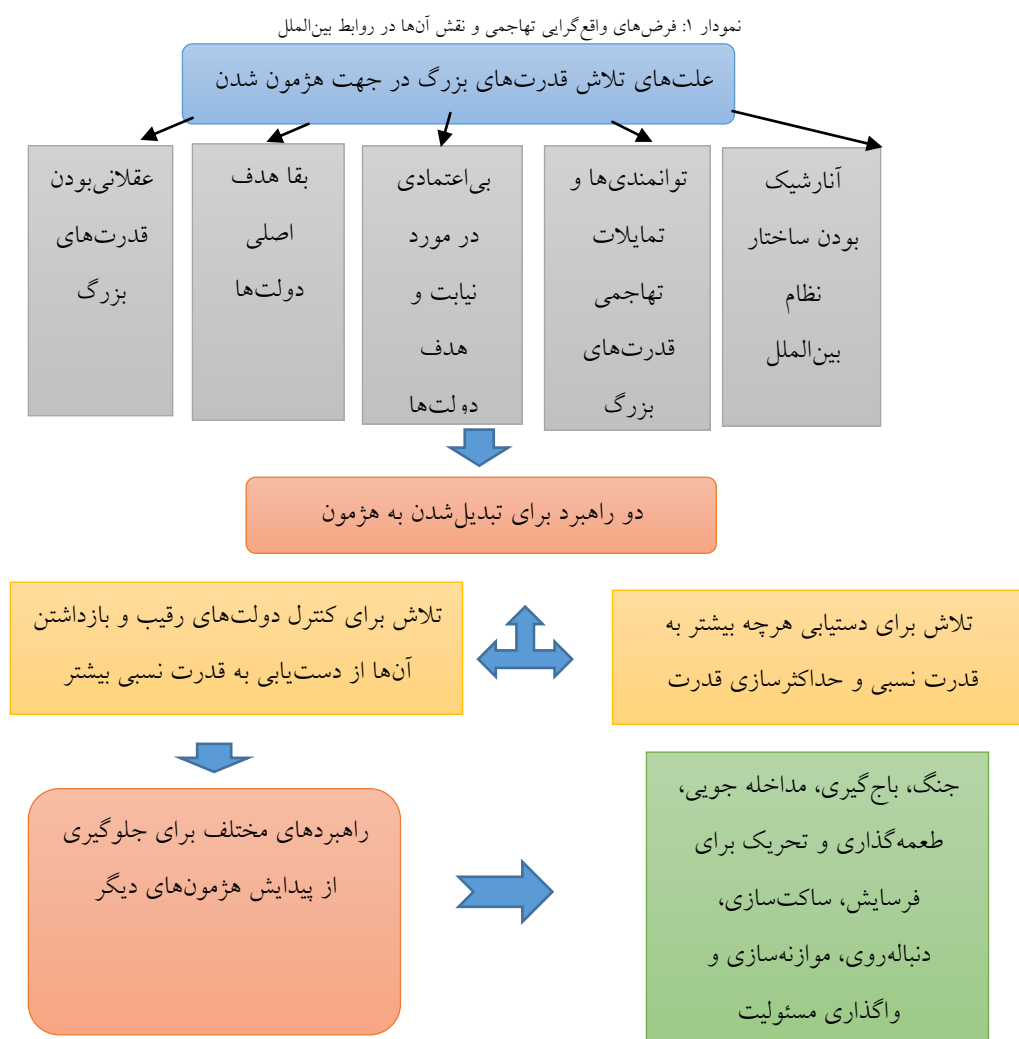
1. Blackmail

2. Appeasement

3. Bandwagoning

4. Buck-Passing

آمریکا در برابر روسیه برای جلوگیری از قدرت‌یابی روسیه و تبدیل این کشور به هژمونی بالقوه و رقیبی برای هژمونی آمریکا عملیاتی کرده است. در ادامه به این سه راهبرد استفاده‌شده غرب در برابر روسیه با هدف دستیابی به پاسخ پرسش نوشتار می‌پردازیم.



طعمه‌گذاری

طعمه‌گذاری بیشتر با رویکرد تحریک سیاست‌گذاران دیگر کشورها به درگیری، عملیاتی می‌شود. در این راهبرد یک کشور تلاش می‌کند رقیب یا رقیبان خود را با تشویق کردن به جنگ تضعیف کند. به‌طوری که خود در حاشیه باقی بماند (Mearsheimer, 2015: 171-172). آمریکا پس از فروپاشی شوروی در پی تثبیت هژمونی خود بر جهان برآمد و یکی از مواردی که آمریکا را به این هدف می‌رساند جلوگیری از قدرت‌یابی دوباره روسیه است. رهبران آمریکا به‌خوبی می‌دانند که در صورت غفلت، مناطق پیرامونی روسیه ظرفیت لازم را برای تأمین هزینه‌های قدرت‌یابی دوباره روسیه دارند. بر همین اساس، برای جلوگیری از این مسئله و تثبیت هژمونی خود بر جهان، تلاش کرده است به روش‌های مختلف که از مصداق‌های طعمه‌گذاری آمریکا برای روسیه است، از تحقق آن جلوگیری کند.

الف) برنامه مشارکت برای صلح و نقش اوکراین در گسترش ناتو

به‌سوی مرزهای امنیتی روسیه

از اصلی‌ترین مصداق‌های طعمه‌گذاری آمریکا برای روسیه می‌توان به برنامه مشارکت برای صلح^۱ اشاره کرد. برنامه مشارکت برای صلح را می‌توان مهم‌ترین و مؤثرترین اقدام ناتو به‌عنوان بازوی نظامی آمریکا در دهه ۱۹۹۰ در زمینه برقراری روابط با کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و به‌طور کلی گسترش این نهاد به‌سوی شرق دانست. براساس این برنامه، هریک از کشورهای علاقه‌مند به عضویت در این سازمان، گفت‌گوهایی در مورد شیوه، زمینه‌ها و سطح مشارکت با ناتو به‌صورت مستقل انجام می‌دهد و در صورت توافق، توافق‌نامه‌ای با عنوان «برنامه مشارکت فردی» را امضا می‌کند. توافق‌نامه‌ای که براساس آن، چنانچه تهدیدی مستقیم متوجه امنیت ملی آن کشور شد، ناتو ملزم است برای رفع آن تهدید به آن کشور کمک کند. از اصول دیگر این برنامه، اولویت عضویت با کشورهایی است که نقش مهمی در برقراری ثبات و امنیت اروپا دارند (Partnership for Peace, 1994: 1-10).

^۱. Partnership for Peace

بر همین اساس، اوکراین پس از استقلال در سال ۱۹۹۱ همکاری خود با ناتو را آغاز و در سال ۱۹۹۴ به برنامه مشارکت برای صلح پیوست. در سال ۱۹۹۷ منشور مشارکت ویژه بین اوکراین و ناتو امضا شد. در سال ۲۰۰۲ نیز اوکراین برنامه اقدام اوکراین و ناتو را امضا کرد. این روند با روی کار آمدن دولتی غرب‌گرا در اوکراین در سال ۲۰۰۴ سرعت بیشتری گرفت؛ به طوری که این کشور به عنوان یکی از شریکان، ضمن اینکه به طور فعال به عملیات ناتو کمک می‌کرد، درخواست پیوستن به این نهاد را نیز داد (Valizadeh, Shirazi and Azizi, 2015: 154).

در ژانویه ۲۰۰۸ ویکتور یوشچنکو^۱ درخواست تقاضای ورود اوکراین به برنامه عملیاتی عضویت ناتو^۲ را به دبیرکل ناتو ارائه داد. این درخواست در نشست سران ناتو در سال ۲۰۰۸ در بخارست بررسی و در بیانیه پایانی این نشست، درخواست اوکراین تأیید شد و اعلام کردند، این کشور عضو ناتو خواهد شد. این بیانیه با مخالفت دو حزب «مناطق»^۳ و «کمونیست»^۴ طرفدار روسیه و با تهدید روسیه و اقدام به کار بست فشار با قطع جریان گاز به اوکراین روبه‌رو شد. به طوری که این کشور زیر فشار روسیه در سال ۲۰۱۰ پیمانی را تصویب کرد که بنابر مفاد آن، اوکراین از پیوستن به هرگونه پیمان نظامی منع شده بود. سرانجام در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۴ پس از شروع بحران و پیوسته‌سازی شبه‌جزیره کریمه به فدراسیون روسیه، پارلمان^۵ اوکراین در جواب اقدام‌های روسیه ابتدا به خروج این کشور از حالت بی‌طرفی رأی مثبت داد (Borhani, Mosaffa and Asgar Khani, 2016: 156-157)؛ سپس در سال ۲۰۱۷ لایحه‌ای را تصویب کرد که در آن عضویت در ناتو به یکی از هدف‌های قانونی اوکراین تبدیل و در قانون اساسی این کشور نیز بر آن تأکید شد. در سال ۲۰۲۰ نیز اوکراین از سوی ناتو به عنوان «شریک فرصت‌های پیشرفته» شناخته شد. وضعیتی که به معنای اشتراک اطلاعات و دسترسی بیشتر کی‌یف^۶ به برنامه‌ها و رزمایش‌های ناتو بود (What is the Process ..., 2022: 1).

همچنین در سال ۲۰۲۱ آمریکا و اوکراین منشور دو کشور در مورد مشارکت راهبردی را امضا کردند (Rezaei and Shariati: 2023: 178). این اقدام‌ها با اعتراض شدید روسیه

1. Viktor Yushchenko

2. Membership Action Plan (MAP)

3. Party of Regions

4. Party of Communist

5. Parliament

6. Kyiv

روبه‌رو شد، به‌طوری که روسیه در دسامبر ۲۰۲۱ خواستار ارائه تضمین از سوی آمریکا برای عضو نشدن اوکراین در ناتو شد که با مخالفت آمریکا روبه‌رو شد. این اقدام‌ها از نظر روسیه به معنای ورود گام‌به‌گام اوکراین به ناتو بود و با واکنش آن برای جلوگیری از این اتفاق به‌وسیله به رسمیت شناختن استقلال دو جمهوری دونتسک^۱ و لوهانسک^۲ جداشده از اوکراین در ۲۱ فوریه ۲۰۲۲، حمله نظامی به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ و سپس پیوسته‌سازی چهار منطقه دونتسک، لوهانسک، خرسون^۳ و زاپوریژیا^۴ به فدراسیون روسیه در سپتامبر همان سال از راه همه‌پرسی روبه‌رو شد (War in Ukrain, 2024: 1).

بنابراین همان‌طور که اشاره شد، آمریکا همواره از هنگام استقلال اوکراین در پی تحریک و تشویق مقام‌های این کشور در جهت پیوستن به ناتو بوده است، که با موافقت و تمایل مقام‌های اوکراینی بدون توجه به حساسیت‌های امنیتی روسیه همراه بوده است. اقدام‌هایی که سرانجام به حمله نظامی روسیه به اوکراین منجر شد. در واقع اوکراین ابزاری برای آمریکا بوده است تا به‌وسیله آن روسیه را وارد جنگ کند و از این راه به هدف راهبردی خود دست یابد که تضعیف و جلوگیری از قدرت‌یابی روسیه است.

ب) سازمان‌دهی انقلاب‌های رنگی در خارج نزدیک

اقدام دیگر غرب برای گسترش به‌سوی شرق، سازمان‌دهی و حمایت از انقلاب‌های رنگی^۵ در خارج نزدیک بوده است. انقلاب گل رز گرجستان (۲۰۰۳)، انقلاب نارنجی اوکراین (۲۰۰۴) و انقلاب گل لاله قرقیزستان (۲۰۰۵) از مهم‌ترین انقلاب‌های رنگی در حوزه خارج نزدیک بوده‌اند که امروزه مشخص شده است سازمان‌ها و نهادهایی که در این انقلاب‌ها نقش داشته‌اند، وابسته به آمریکا و اروپا بوده‌اند.

با فروپاشی شوروی، غرب گسترش به شرق را در جهت محاصره ژئوپلیتیکی روسیه در دستور کار خود قرار داد. عضویت کشورهای اروپای شرقی در نهادهای غربی، ابزار اصلی این گسترش بوده است. اما با توجه به باقی ماندن ساختارهای نظام کمونیستی در بیشتر کشورهای نواستقلال، در بیشتر موارد همان نخبگان سیاسی ضدغرب دوران

¹. Donetsk

². Luhansk

³. Kherson

⁴. Zaporizhzhia

⁵. Color Revolutions

کمونیسم به قدرت رسیدند، بنابراین لازم بود با تحریک و حمایت از مخالفان وضع موجود و طرفدار غرب در این کشورها، این مانع را از سر راه بردارند تا زمینه همگرایی و سرانجام عضویت این کشورها در نهادهای غربی تسهیل شود. بر همین اساس، آمریکا و متحدان اروپایی آن به وسیله نهادهای غیردولتی مانند بنیاد سوروس^۱، با ساماندهی انقلاب‌های رنگی در این کشورها، با توجه به اهمیت ویژه آن‌ها به‌ویژه دو کشور اوکراین و گرجستان در رسیدن به هدف‌های غرب، توانستند نیروهای طرفدار غرب را بر سرکار آوردند و روند گسترش نهادهای غربی به‌سوی روسیه را تسهیل کنند (Borhani, Mosaffa and Asgar Khani, 2016: 116-117)

این انقلاب‌ها با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی اوکراین و گرجستان برای روسیه به معنای تنگ‌تر شدن حلقه محاصره و تضعیف موقعیت و جایگاه ژئوپلیتیکی روسیه در اوراسیای مرکزی بود. وضعیتی که می‌توانست ضربه‌ای اساسی به هدف اصلی بزند که همان بازیابی دوباره قدرت روسیه است. بر همین اساس، روسیه در مقابل این انقلاب‌ها ساکت ننشست و تمام تلاش خود را کرد تا آثار و پیامدهای این انقلاب‌ها را خنثی کند. دیری نپایید که با حمایت روسیه، انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ در اوکراین جای خود را به انقلاب آبی ۲۰۰۶ داد. همچنین در سال ۲۰۰۸ پس از اینکه دولت گرجستان به بهانه تشویق جدایی‌طلبان اوستیای جنوبی^۲ از سوی روسیه به استقلال از این کشور، درخواست عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا را کرد. روسیه به بهانه ظاهری حمایت از شهروندان روس، اما با هدف اصلی جلوگیری از عضویت گرجستان در نهادهای غربی وارد اوستیای جنوبی شد و ابتدا ارتش گرجستان را از اوستیای جنوبی بیرون راند و سپس پس از برقراری آتش‌بس، استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا^۳ را به رسمیت شناخت (Matsaberidze, 2015: 78-81) و نشان داد که هرگونه حرکت غرب‌گرایانه کشورهای این منطقه با واکنش شدید روسیه روبه‌رو خواهد شد. اقدامی که در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ در اوکراین دوباره تکرار شد.

^۱. Soros Foundation: Open Society Institute

^۲. South Ossetia

^۳. Abkhazia

پ) نقش اوکراین در گسترش اتحادیه اروپا به سمت شرق

اتحادیه اروپا نیز مانند آمریکا همواره از زمان استقلال اوکراین تلاش کرده است از تمایل این کشور برای پیوستن به این اتحادیه در جهت کنترل و تضعیف روسیه بهره‌برداری کند. بر همین اساس، اتحادیه اروپا برنامه‌های مختلفی را برای دستیابی به این هدف مانند سند راهبردی امنیتی اتحادیه اروپا^۱ (۲۰۰۳)، سند مفهومی کمیسیون اروپا با عنوان «اروپایی وسیع‌تر - همسایگی: چارچوبی جدید برای روابط با همسایگان شرقی و جنوبی» (۲۰۰۳) و سند سیاست همسایگی اروپا^۲ (۲۰۰۴) را طراحی و اجرا کرده است (European Neighbourhood Policy, 2004: 1-10).

نتیجه این اقدام‌ها که براساس برنامه گسترش اتحادیه اروپا به سوی شرق و جنوب اروپا انجام شده بود، پیوستن ۱۰ کشور (لهستان، مجارستان، چک، اسلوانی، قبرس، اسلواکی، استونی، لتونی، لیتوانی و مالت) در سال ۲۰۰۴ و دو عضو دیگر (بلغارستان و رومانی) در سال ۲۰۰۷ به این اتحادیه بود که تعداد اعضای اتحادیه اروپا را به ۲۷ کشور رساند (Gateva, 2016: 8). اتحادیه اروپا در ماه مه ۲۰۰۹ برای تقویت بعد شرقی سیاست همسایگی، ابتکار مشارکت شرقی^۳ را مطرح کرد. برنامه‌ای که در پی دسترسی به هدف‌هایی مانند افزایش پیوند سیاسی و همگرایی بیشتر اقتصادی میان اتحادیه اروپا و شش کشور همسایه شرقی این اتحادیه (روسیه سفید، اوکراین، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، مولداوی و گرجستان) بوده است (Joint Declaration..., 2009: 5-7).

هدف نهایی اتحادیه اروپا از نهایی کردن برنامه مشارکت شرقی و جذب سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه، نزدیک کردن آن‌ها به غرب و همگرایی با جوامع اروآتلانتیکی^۴ در روابط و مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ موضوعی که می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای عضویت این کشورها در اتحادیه اروپا و سپس ناتو برآورد شود. اتفاقی که پیش‌تر در سال ۲۰۰۴ رخ داده بود. زیرا تمام کشورهای این منطقه در آن سال به عضویت اتحادیه اروپا درآمد، عضو ناتو نیز شدند. یکی از اولویت‌های سیاست خارجی اوکراین پس از استقلال، پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است. بر همین اساس، اوکراین در سال ۱۹۹۴ به یک توافق‌نامه همکاری مشارکت با اتحادیه اروپا رسید

1. The European Union Security Strategy

2. The European Neighborhood Policy

3. The Eastern Partnership

4. Euro- Atlantic

که از چند بخش سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ... برخوردار بود و به طور کامل اجرا شد. همچنین در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ میان دو طرف مذاکراتی انجام شد که براساس آن اتحادیه اروپا موافقت مشروط خود را برای تأسیس منطقه تجاری آزاد با اوکراین اعلام کرده بود. اوکراین در ۷ مه ۲۰۰۹ نیز به همراه ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان، روسیه سفید و مولداوی برنامه ابتکار مشارکت شرقی را با سران اتحادیه اروپا امضا کرد که به دلیل هدف‌های ضدروسی آن حساسیت‌های زیادی را در روسیه برانگیخت (Michalski, 2009: 8).

اما اقدامی که سبب واکنش شدید روسیه در سال ۲۰۱۳ شد، توافق یانوکویچ^۱ با مقام‌های اتحادیه اروپا براساس توافق‌نامه ۲۵ فوریه ۲۰۱۳ بروکسل برای امضای نهایی قرارداد تجارت آزاد میان اتحادیه اروپا و اوکراین در نوامبر ۲۰۱۳ بود. توافق‌نامه‌ای که زمینه را برای عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا فراهم می‌کرد. اقدامی که برای روسیه به هیچ عنوان پذیرفتنی نبود و با واکنش شدید روسیه برای بی‌ثبات کردن اوکراین و پیوسته کردن شبه جزیره کریمه به فدراسیون روسیه خود را نشان داد (Hedayati, 2024: 377).^۱ پیوسته‌سازی کریمه به روسیه، اقدام‌های اوکراین برای عضویت در نهادهای غربی به ویژه ناتو شدت گرفت. این اقدام‌ها به معنای نادیده گرفتن حساسیت‌های امنیتی روسیه و تهدیدی جدی علیه امنیت و منافع ملی روسیه بود. واکنش روسیه به رسمیت شناختن استقلال مناطق جداشده از اوکراین، حمله نظامی به اوکراین و پیوسته‌سازی چهار منطقه اشغال شده به فدراسیون روسیه بود.

پس از حمله نظامی روسیه به اوکراین نیز اتحادیه اروپا با نامزدی اوکراین برای عضویت در این اتحادیه موافقت کرد. پس از کاربست شرط‌های هفتگانه این اتحادیه توسط اوکراین، موافقت خود را با آغاز مذاکرات پیوستن در میان این اتحادیه و اوکراین اعلام کرد که این کشور را گامی دیگر به عضویت در اتحادیه اروپا نزدیک کرد. در مجموع، گسترش اتحادیه اروپا به سمت حیط خلوت روسیه را می‌توان بخشی از مأموریتی دانست که در کنار گسترش ناتو به سوی مرزهای امنیتی روسیه، در پی کنترل و جلوگیری از قدرت‌یابی دوباره روسیه است. در این میان، سیاست‌های اوکراین در برابر اتحادیه اروپا و ناتو کمک فراوانی به این نهادها کرده است تا به این هدف نزدیک‌تر شوند.

^۱. Viktor Yanukovich

سیاست‌هایی که نقش زیادی در ایجاد بحران‌های مختلف در این کشور داشته و پیامدهای سنگینی را به این کشور تحمیل کرده است.

موازنه‌سازی

موازنه‌سازی از راهبردهایی است که از دیدگاه واقع‌گرایی تهاجمی به‌وسیله قدرت‌های بزرگ و هژمون برای جلوگیری از برهم‌خوردن موازنه قدرت^۱ در مناطق مختلف جهان به کار گرفته می‌شود. با ایجاد موازنه کشورهای مورد تهدید به‌طور جدی خودشان را متعهد به مهار رقیبشان می‌کنند (Mearsheimer, 2015: 175). از مصادیق موازنه‌سازی غرب به‌ویژه آمریکا در برابر روسیه می‌توان به سامانه سپر دفاع موشکی در شرق اروپا، عضویت سوئد و فنلاند در ناتو و وضع تحریم‌ها اشاره کرد.

الف) استقرار سامانه «سپر دفاع موشکی» در شرق اروپا

یکی از اقدام‌های موازنه‌ساز آمریکا در برابر روسیه، طرح استقرار سامانه «سپر دفاع موشکی» آمریکا در اروپا به نام «سایت رهگیر اروپا»^۲ است که در دو دهه اخیر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های روسیه و غرب تبدیل شده است. ریشه اندیشه استقرار سامانه «سپر دفاع موشکی» در اروپا به دهه ۱۹۵۰ و رقابت دو ابرقدرت شوروی و آمریکا در دوران جنگ سرد برمی‌گردد. اما استقرار این سیستم دفاع ضد موشکی در شرق اروپا از سال ۲۰۰۲، پس از رویداد ۱۱ سپتامبر و پیگیری آن به‌شکلی پرنگ‌تر بعد از سال ۲۰۰۷، عاملی بود که تهدید این سامانه را برای روسیه بیش از پیش نمایان کرد. زیرا مسکو برخلاف ادعاهای آمریکا، روسیه را هدف اصلی این سامانه می‌داند. به باور مسکو این سامانه هدف‌هایی مانند محاصره راهبردی روسیه به‌وسیله پیشروی نظامی امنیتی آمریکا به سمت مرزهای روسیه، تضعیف توان بازدارندگی روسیه، برهم‌زدن موازنه قوا در منطقه اروپای شرقی، جلوگیری از نفوذ روسیه در میان کشورهای اروپایی و برهم‌زدن توازن قدرت جهانی را دارد (Steff & Khoo, 2014: 237-248).

هدف روسیه در منطقه اوراسیا به‌دست‌آوردن جایگاه هژمونی است. در این زمینه، تمام تلاش خود را می‌کند تا از پیدایش هژمون بالقوه منطقه‌ای دیگر (آمریکا) جلوگیری کند.

^۱ Balance of Power

^۲ European Interceptor Site

همچنین به دلیل وجود منطق «قدرت نسبی» در نظام بین‌الملل، روسیه با کنشگری در بحران اوکراین در پی کاربست نفوذ خود به‌عنوان هژمون منطقه‌ای و به چالش کشیدن هژمونی آمریکا است (Javanpour Heravi, Mousavi and Nowrozi, 2018: 19-20). از دیدگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، اهمیت اوکراین به حدی است که از نظر برژینسکی^۱ اوکراین بهترین کشوری است که در صورت جذب، قابلیت جلوگیری از بازیابی قدرت روسیه را دارد (Brzezinski, 1997: 46). بنابراین این کشور در جهت احیای قدرت دوباره روسیه نقشی حیاتی دارد. هرگونه حرکت غرب‌گرایانه اوکراین برای عضویت در نهادهای غربی، به دلیل اینکه سبب تغییر موازنه قدرت به سود غرب به‌ویژه آمریکا خواهد شد با واکنش شدید روسیه روبه‌رو می‌شود. تا زمانی که روسیه سامانه دفاع موشکی را تهدیدی برای منافع راهبردی درازمدت خود بداند، از هر وسیله‌ای برای حفظ توازن قوا استفاده خواهد کرد. پیوسته‌سازی شبه‌جزیره کریمه به خاک خود، حمایت از استقلال‌طلبان شرق اوکراین، حمله نظامی به اوکراین و پیوسته‌سازی چهار منطقه از اوکراین به فدراسیون روسیه را، باید در جهت جلوگیری از تغییر موازنه به سود غرب در منطقه اوراسیا، به‌ویژه در حوزه دریای سیاه دانست.

ب) عضویت سوئد و فنلاند در ناتو

یکی از اقدام‌های موازنه‌ساز آمریکا در برابر روسیه پس از حمله نظامی روسیه به اوکراین و احتمال ازدست‌دادن اوکراین و عضو نشدن این کشور در ناتو و در نتیجه، تغییر موازنه به سود روسیه در حوزه اوراسیا به‌ویژه در حوزه بالتیک،^۲ عضویت سوئد و فنلاند در ناتو بود تا از این راه ضمن موازنه‌سازی در برابر روسیه، سبب تنگ‌تر کردن حلقه محاصره و تضعیف روسیه شود. با چرخش آمریکا از خاورمیانه و خلیج فارس به سوی چین و روسیه در سال‌های اخیر، تلاش برای تقویت ناتو و یک‌دست کردن اروپا در برابر روسیه، به‌منظور تضعیف یکی از این دو رقیب (روسیه) در بالای برنامه‌های راهبردی آمریکا قرار گرفته است. بنابراین ابراز تمایل این دو کشور حوزه اسکاندیناوی به عضویت در ناتو فقط زیر تأثیر تجاوز نظامی روسیه به اوکراین و تصمیمی داخلی و بر اساس نیازهای امنیتی آن‌ها نبوده و با هدایت و حمایت آمریکا انجام شده است. با

^۱ Zbigniew Brzezinski

^۲ Baltic

عضویت سوئد و فنلاند در ناتو، اتحادیه اروپا در قالب ناتو بیش از گذشته در برابر روسیه قرار خواهد گرفت. اقدامی که آمریکا به دنبال آن است؛ یعنی تضعیف و مهار روسیه با هزینه هم‌پیمانان خود. بدین ترتیب، با گسترش ناتو و تقویت قدرت نظامی بخش اروپایی ناتو، مشارکت اروپایی‌ها در مهار روسیه افزایش یافته و آمریکا می‌تواند با دست بازتری چین را مهار کند (Mazaheri, 2022: 1).

ناتو با عضویت سوئد و فنلاند علاوه بر اینکه دامنه نفوذ خود بر شبه‌جزیره اسکاندیناوی را تکمیل کرد، توانست مرز مشترک خود با روسیه را به دو برابر افزایش دهد و بدین‌وسیله خلأ عضویت اوکراین را تا حدود بسیار زیادی جبران کند (Kurdi, 2024: 1). به‌طور کلی، اضافه‌شدن سوئد و فنلاند برای ناتو برتری‌های زیادی خواهد داشت. سوئد ناوگان دریایی قدرتمندی دارد و می‌تواند نقش مهمی در تأمین امنیت دریای بالتیک داشته باشد. همچنین این کشور یکی از سازندگان مهم سلاح در جهان از جمله جنگنده‌های پیشرفته است. فنلاند نیز ارتش قدرتمندی دارد و ظرفیت این کشور در زمینه منابع انسانی و نیروی نظامی متخصص می‌تواند توانمندی‌های ناتو را بیشتر کند (Black, Kleberg and Silfversten, 2024: 11-13).

یکی از مأموریت‌های اصلی ناتو دور نگه‌داشتن روسیه از کشورهای حوزه بالتیک است. حضور فنلاند و سوئد در ائتلاف ناتو می‌تواند امنیت این کشورهای کوچک‌تر حوزه بالتیک را ارتقا دهد. با نگاهی به نقشه، لتونی، لیتوانی و استونی به‌نوعی در محاصره زمینی روسیه و روسیه سفید قرار دارند. از این سه کشور، تنها لیتوانی است که با یک کشور دیگر ناتو، یعنی لهستان مرز مشترک دارد. در چنین وضعیتی، اضافه‌شدن سوئد و فنلاند به ناتو به معنای چتر حمایتی بر سر این سه کشور است که راه را برای حمایت از آن‌ها در مواقع خطر باز می‌کند (Lokker and Others, 2023: 2). بنابراین عضویت سوئد و فنلاند در ناتو سبب می‌شود تلاش‌های مسکو برای افزایش نفوذ در این منطقه با چالش‌های بسیار روبه‌رو شود.

عضویت سوئد و فنلاند در ناتو برای روسیه، به‌دلیل تغییر موازنه قدرت در حوزه اوراسیا به‌ویژه در حوزه بالتیک، شکست راهبردی بزرگی محسوب می‌شود. روسیه که با حمله نظامی به اوکراین در پی جلوگیری از عضویت این کشور در ناتو و در نتیجه، جلوگیری از تغییر موازنه قدرت بود و تلاش می‌کرد مانع گسترش ناتو شود، با عضویت سوئد و فنلاند در ناتو نتیجه‌ای برخلاف هدف خود به دست آورد. این موضوع سبب

شد بازوی نظامی آمریکا به مرزهای طولانی شمال و شمال غربی روسیه برسد و موازنه را تغییر دهد. البته روسیه نیز در برابر این گسترش و تغییر موازنه ساکت نخواهد نشست. احتمال دارد در آینده‌ای نه‌چندان دور، در جهت موازنه‌سازی شاهد تقابل تسلیحاتی و سیاسی میان روسیه و غرب باشیم. یکی از اقدام‌های روسیه برای جلوگیری از تغییر بیشتر موازنه به سود غرب، تلاش بیشتر کرملین^۱ برای جلوگیری از محاصره بیشتر توسط غرب با پیروزی در جنگ اوکراین و جلوگیری از عضویت این کشور در نهادهای غربی است که به نوبه خود سبب طولانی‌تر شدن جنگ خواهد شد.

پ) وضع تحریم

تحریم‌ها یکی از مصادیق موازنه‌سازی هستند که می‌خواهند با مهار و تضعیف کشور هدف یا سبب تغییر موازنه قدرت شوند یا از تغییر موازنه قدرت جلوگیری کنند. تغییر موازنه راهبردی است که به‌طور معمول یک قدرت علیه قدرت رقیب به کار می‌گیرد. اما راهبرد جلوگیری از تغییر موازنه به‌طور معمول برای این منظور توسط قدرت‌ها به کار می‌رود تا از برهم‌خوردن موازنه منطقه‌ای جلوگیری کنند (Abdekhodayi and Rahimi, 2018: 174). Nejad, 2018: 174) غرب از زمان آغاز بحران اوکراین در نوامبر ۲۰۱۳، به‌ویژه پس از پیوسته‌سازی شبه‌جزیره کریمه به روسیه، تحریم‌های سخت و چندلایه را علیه روسیه وضع کرده است که با حمله نظامی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ بر شدت آن‌ها افزوده است. غرب تاکنون نزدیک به ۱۹ هزار تحریم علیه روسیه وضع کرده و بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار از اموال این کشور را بلوکه کرده است (Hamilton and Quinlan, 2023: 17). تحریم‌ها تقریباً تمام حوزه‌های اقتصادی، تجاری، بانکی، مالی، نظامی، دفاعی، انرژی، فناوری^۲ و بسیاری از مقام‌ها و نهادهای روسی را در برمی‌گیرند. آن‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که بیشترین پیامد را برای روسیه به همراه داشته باشند، تا از این راه زمینه مهار و تضعیف روسیه و در نتیجه، موازنه قدرت در برابر روسیه را به سود خود تغییر دهند و غرب را به هدف خود بدون درگیری نظامی با روسیه برسانند. برای نمونه و نشان‌دادن

^۱. Kremlin

^۲. Technology

چگونگی تأثیر تحریم‌ها برای تضعیف روسیه و تغییر موازنه در ادامه به تحریم خط لولهٔ نورد استریم ۲^۱ توسط آمریکا می‌پردازیم.

قرارداد ساخت خط لولهٔ نورد استریم ۲ که در سال ۲۰۰۵ در میان آلمان و روسیه بسته شد و قرار بود از بستر دریای بالتیک، به وسیله دو خط لوله به مسافت بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر گاز روسیه را به آلمان انتقال دهد (Nord Stream 2, 2021: 1-3). به دلیل تنوع‌سازی در سیاست انتقال انرژی از روسیه به اروپا، ظرفیت بالای انتقال انرژی به میزان ۵۵ میلیارد مترمکعب در سال، بدون عبور از خاک کشورهای سوم به آلمان و ابزار قدرت مهم در اختیار روسیه برای رویارویی با سیاست‌های ضدروسی آمریکا و نهادهای غربی در منطقهٔ اروپای شرقی برای روسیه اهمیت قابل توجهی داشت (Gehnen, 2008:40-49).

آمریکا برای تثبیت هژمونی اقتصادی خود و ضربه به اقتصاد و در نتیجه قدرت روسیه تمام تلاش خود را به کار برده است تا وابستگی اروپا به انرژی روسیه را کاهش دهد. به ویژه پس از آزادسازی صادرات نفت و گاز از سوی کنگره در سال ۲۰۱۵، آمریکا تبدیل به بزرگ‌ترین صادرکنندهٔ نفت و گاز در جهان شده است. این کشور تلاش گسترده‌ای برای به دست آوردن هژمونی در بازار انرژی اروپا به عنوان بزرگ‌ترین بازار مصرف گاز جهان نشان داده است و در این راه طرح نورد استریم ۲ را مانعی برای سیاست‌ها و هدف‌های خود می‌بیند. بر همین اساس، بعد از پیوسته‌سازی شبه‌جزیرهٔ کریمه به فدراسیون روسیه، آمریکا تلاش کرد با فشار بر آلمان برای توقف توسعهٔ خط لولهٔ نورد استریم ۲، جلوی توسعهٔ آن را بگیرد که با مقاومت آلمان، این کشور در آن دوره از تصمیم خود عقب‌نشینی کرد (Lohmann and Westphal, 2019: 4-6). اما حملهٔ نظامی روسیه به اوکراین در فوریهٔ ۲۰۲۲ و همراهی آلمان در تعلیق این طرح این کشور را به هدف خود رساند. آمریکا با تحریم این طرح جلوی توسعهٔ این خط لوله را گرفت و ضمن جلوگیری از دستیابی روسیه به هدف‌های اشاره‌شده، منافع اقتصادی و راهبردی روسیه در بازار انرژی اروپا به عنوان بزرگ‌ترین بازار مصرف گاز جهان را نیز به خطر انداخت. بنابراین آمریکا با تحریم این خط لوله ضربهٔ شدیدی به اقتصاد روسیه و قدرت آن به عنوان رقیب این کشور وارد کرد و توانست موازنه را به‌ویژه در حوزهٔ صادرات انرژی به اروپا به سود خود تغییر دهد.

¹. Nord Stream 2 Pipeline

علت‌های طولانی شدن بحران (آتش‌افروزی)

مداخله‌جویی به معنای ایجاد درگیری و به‌کاربردن سازوکارهایی برای امتداد جنگ برای مدتی طولانی است. در این راهبرد، هدف اطمینان‌یافتن از این است که هرگونه جنگ بین رقیبان تبدیل به منازعه‌ای طولانی و پرهزینه شود تا قدرت و توان رقیبان تضعیف و خود به توسعه توانمندی‌هایش بپردازد (Mearsheimer, 2015: 173). غرب از زمان بحران ۲۰۱۴ اوکراین تاکنون از راهبرد مداخله‌جویی برای طولانی‌شدن بحران و جنگ در جهت مهار و تضعیف روسیه استفاده کرده است که در ادامه به مصداق‌های آن می‌پردازیم.

الف) کمک‌های نظامی، مالی، اطلاعاتی و آموزشی به اوکراین

غرب از زمان ایجاد بحران ۲۰۱۴ اوکراین به‌ویژه بعد از حمله نظامی روسیه به اوکراین، تلاش کرده است با تشویق اوکراین در جهت نزدیکی به نهادهای غربی و ارائه کمک‌های گسترده نظامی، مالی، اطلاعاتی و آموزشی به این کشور در کنار وضع تحریم‌های گسترده علیه روسیه، به طولانی و فرسایشی‌کردن بحران‌های اوکراین کمک کند تا از این راه به هدف خود که همان تضعیف قدرت روسیه است دست یابد و به‌نوعی نقش مداخله در این بحران‌ها را بر عهده داشته است. رویکرد غرب به‌ویژه آمریکا به جنگ اوکراین، بیشتر متمایل به جنگ فرسایشی است. به‌گونه‌ای که روسیه درگیر جنگ نظامی، تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی بماند تا با تضعیف قدرت و نفوذ روسیه، جریان فراتلانتیکی در اروپا به‌ویژه اروپای شرقی هرچه بیشتر محکم شود (Kalantari and Mohamadi Monfared, 2023: 203) بر همین اساس، غرب برای رسیدن به این هدف، همان‌طور که در بخش پیشین بیان شد از زمان بحران ۲۰۱۴ اوکراین ضمن وضع گسترده‌ترین تحریم‌های تاریخ علیه روسیه، سیل کمک‌های نظامی، مالی، اطلاعاتی و آموزشی را به اوکراین روانه کرده است. به‌طوری که از زمان آغاز جنگ تاکنون غرب نزدیک به ۴۰۰ میلیارد دلار به اوکراین کمک کرده است (Ukraine Aid ..., 2024: 1). آمریکا حدود ۱۷۰ میلیارد دلار، اتحادیه اروپا حدود ۱۰۶ میلیارد دلار به علاوه موافقت و تعهد این اتحادیه برای کمک ۵۴ میلیارد دلاری جدید برای حمایت از بازیابی، بازسازی و نوسازی اوکراین (EU Assistance to Ukraine, 2024: 1). همچنین بنابر اعلام دبیرکل ناتو غیر از آمریکا، دیگر متحدان و شریکان ناتو نیز بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار تاکنون به

اوکراین کمک کرده‌اند (Stoltenberg, 2024: 1). بخش بزرگ این کمک‌ها صرف ارائه سامانه‌های تسلیحاتی، آموزشی و اطلاعاتی شده است. به گونه‌ای که فهرست بلندبالایی از سامانه‌های دفاع هوایی، نظارتی و راداری، جت‌های جنگنده، خودروهای زرهی، انواع موشک‌ها، تانک‌ها و ناوهای زرهی، انواع تجهیزات پیاده‌نظام، توپخانه، بالگرد و پهبادهای جنگی و نظارتی، سامانه و شناورهای دفاع ساحلی و خدمات تصویربرداری ماهواره‌ای را شامل می‌شود (Masters and Merrow, 2024: 1-4). کمک‌هایی که در جهت طولانی و فرسایشی کردن جنگ به اوکراین سرآزیر شده است تا از این راه، غرب به هدف اصلی خود در برابر روسیه دست یابد که تضعیف و جلوگیری از قدرت‌یابی روسیه است و با مشغول کردن روسیه، جای پای خود را در اروپای شرقی محکم‌تر کند. در مجموع می‌توان گفت فعالیت و تحرک‌های غرب در قلمرو جغرافیایی شرق اروپا مانند راه‌اندازی انقلاب‌های رنگی، تلاش برای کشاندن جمهوری‌های این منطقه به زیر چتر امنیتی خود با امضای موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه نظامی، استقرار چندین سیستم دفاع ضد موشکی و از همه مهم‌تر پیشروی‌های اتحادیه اروپا و ناتو به سوی شرق، نشان‌دهنده هدف‌های بلندمدت غرب برای گسترش حوزه نفوذ خود و محاصره ژئوپلیتیکی و راهبردی روسیه است. همان‌طور که دیده شد، غرب همواره از زمان استقلال اوکراین تلاش کرده است با تحریک و تشویق مقام‌های این کشور برای پیوستن به نهادهای غربی، از تمایل این کشور برای نزدیکی به غرب در جهت هدف راهبردی خود استفاده کند. اوکراین ابزاری در دست غرب بوده است تا با استفاده از کارت این کشور در رویارویی با تهدید روسیه به هدف راهبردی خود که گسترش حوزه نفوذ خود در اروپای شرقی و تضعیف، محاصره ژئوپلیتیکی و راهبردی روسیه است دست یابد. حمله نظامی روسیه به اوکراین تا حد زیادی غرب را به این هدف نزدیک کرده است.

نتیجه

بر اساس گزاره‌های واقع‌گرایی تهاجمی، رسیدن به جایگاه هژمون، هدف نهایی قدرت‌های بزرگ است. قدرت‌های بزرگ همواره تلاش می‌کنند با افزایش قدرت خود، تبدیل به هژمون شوند. زمانی هم که تبدیل به هژمون شدند، از هژمون شدن قدرت‌های دیگر با انواع راهبردهای افزایش قدرت خود و مدیریت و کنترل رقیب جلوگیری کنند.

از این رو غرب به‌ویژه آمریکا، تلاش کرده است با سه راهبرد طعمه‌گذاری، موازنه‌سازی و مداخله‌جویی علیه روسیه به این هدف دست یابد.

سه راهبرد طعمه‌گذاری، موازنه‌سازی و مداخله‌جویی مورد استفاده غرب علیه روسیه، نقش مهمی در ایجاد بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ اوکراین و طولانی‌کردن آن‌ها داشته‌اند. غرب به‌ویژه آمریکا، برای جلوگیری از قدرت‌یابی روسیه و تبدیل این کشور به هژمونی بالقوه و رقیبی برای هژمونی آمریکا به‌وسیله طعمه‌گذاری‌هایی مانند برنامه مشارکت برای صلح و سازمان‌دهی انقلاب نارنجی در اوکراین تلاش کرد زمینه را برای عضویت اوکراین در نهادهای غربی با وجود حساسیت‌های روسیه به این موضوع فراهم کند. همچنین با اقدام‌هایی مانند استقرار سامانه سپر دفاع موشکی در شرق اروپا، عضویت سوئد و فنلاند در ناتو و وضع تحریم‌های گسترده علیه روسیه تلاش کرده است، موازنه قوا در اروپای شرقی را به سود خود تغییر دهد. این اقدام‌ها با واکنش روسیه برای جلوگیری از عضویت اوکراین در نهادهای غربی و تغییر موازنه قوا به سود غرب با سازمان‌دهی انقلاب آبی، پیوسته‌سازی مناطق کریمه، دونتسک، لوهانسک، خرسون و زاپوریژیا به خاک خود و حمله نظامی به اوکراین روبه‌رو شد. پس از رخداد این بحران‌ها نیز غرب همواره نقش مداخله‌جویی را به عهده داشته است و با ارائه انواع کمک‌های نظامی، مالی، اطلاعاتی و آموزشی به اوکراین زمینه طولانی‌شدن بحران‌های اوکراین به‌ویژه بحران ۲۰۲۲ را فراهم کرده است.

اوکراین در عمل زمین‌بازی دو قطب قدرت و قربانی رقابت روسیه و غرب و نقش طعمه و ابزاری را برای هدف‌های غرب در برابر روسیه داشته است. غرب همواره تلاش کرده با تحریک و تشویق مقام‌های این کشور در جهت پیوستن به نهادهای غربی از تمایل این کشور برای نزدیکی به غرب در جهت هدف راهبردی خود که گسترش حوزه نفوذ در اروپای شرقی و تضعیف و محاصره ژئوپلیتیکی و راهبردی روسیه است، بهره‌برداری کند. اوکراین ابزاری در دست غرب بوده است تا با استفاده از کارت این کشور به تقابل با تهدید سنتی خود بپردازد. بنابراین اوکراین همواره پس از استقلال، صحنه رقابت غرب و روسیه و شاهد بروز تعارض‌های جدی و بحران‌های سیاسی امنیتی مختلف بوده است.

References

- Abdekhodayi, Mojtaba and Mohammad Ali Rahimi Nejad (2018), "America's Strategies against IR during the Last Forty Years", **Islamic Revolution Studies**, Vol. 15, No. 55, pp. 165-184, Available at: <https://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1070-fa.html>, (Accessed on: 16/4/2024), [in Persian].
- Bagheri, Reza and Alireza Kazami (2023), "The Re-Securitization of Russia by NATO and Western Countries Based on the Theory of Collective Security", **Country Studies**, Vol. 1, No. 4, pp. 607-630, (doi: 10.22059/JCOUNTST.2023.363511.1051), [in Persian].
- Black, James, Charlotte Kleberg, and Erik Silfversten (2024), "NATO Enlargement Emidst Russia's War in Ukraine", **Rand Europe**, Available at: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PEA3200/PEA3236-1/RAND_PEA3236-1.pdf, (Accessed on: 9/12/2024).
- Borhani, Zahra, Nasrin Mosaffa and Abu Mohammad Asgar Khani (2016), **The Opposition of Russia to the Development of NATO to East and the Separatist Movement at the Eastern Ukraine**, Master Thesis in International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, [in Persian].
- Brzezinski, Zbigniew (1997), **The Grand Chessboard**, New York: Basic Books.
- Dehghani Firouzabadi, Jalal and Manouchehr Moradi (2016), "Western Threats, Russia's Perception and the Ukraine Crisis", **Foreign Relations**, Vol. 8, No. 2, pp. 25-55, (doi: 20.1001.1.20085419.1395.8.2.2.8), [in Persian].
- Demir, Sertif (2022), "The 2022 Russia-Ukraine War: Reasons and Impacts", **Mehmet Seyfettin Erol**, Vol. 6, No. 1, pp. 13-40, Available at: <https://dergipark.org.tr/en/download/article-file/2369182>, (Accessed on: 26/4/2024).
- Etesami, Sohail, Yusuf Karami and Mojtaba Rezaeivand (2019), "Ukraine's Geopolitics and the Interests of the Great Powers", **Humanities and Islamic Strategic Studies**, No. 18, pp. 1-22, Available at: <http://dl.pantajournals.ir:8080/uploads/pdf/2019411133245367.pdf>, (Accessed on: 17/4/2024), [in Persian].
- EU Assistance to Ukraine (2024), **Delegation of the European Union to the United States of America**, Available at: https://www.eeas.europa.eu/delegations/united-states-america/eu-assistance-ukraine-us-dollars_en?s=253, (Accessed on: 23/4/2024).
- European Neighbourhood Policy (2004), **EUR-Lex (European Union)**, Available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/en/TXT/?uri=CELEX:52004DC0373>, (Accessed on: 23/4/2024).
- Gateva, Eli. (2016), **European Union Enlargement Conditionality**, London, Palgrave Macmillan.
- Gehnen, Hendrik (2008), **Die Nord Stream Pipeline: Politisches Instrument oder Interkonnektor?**, Masterarbeit in den Internationale Beziehungen, Universität Oslo.

- Götz, Elias (2018), "It's Geopolitics, Stupid: Explaining Russia's Ukraine Policy", **Outlines of Global Transformations: Politics, Economics, Law**, Vol. 9, No. 4, pp. 6-17, (doi: 10.23932/2542-0240-2016-9-4-6-17).
- Götz, Elias and Jørgen Staun (2022), "Why Russia Attacked Ukraine: Strategic Culture and Radicalized Narratives", **Contemporary Security Policy**, Vol. 43, No. 3, pp. 482-497, (doi:10.1080/13523260.2022.2082633).
- Hamilton, Danie and Joseph Quinlan (2023), "The Transatlantic Economy 2023". **Transatlantic Bus. Council and Amcham-EU**, Available at: https://www.amchameu.eu/sites/default/files/publications/files/transatlantic_economy_2023.pdf, (Accessed on: 9/12/2024).
- Hedayati Shahidani, Mehdi and Sedigheh Azin (2024), "The Impact of the Ukraine War on the Role of the EU in the West's Confrontation with Russia", **Central Eurasia Studies**, Vol. 16, No. 2, pp. 373-396, (doi: 10.22059/jcep.2024.352162.450116), [in Persian].
- Javanpour Heravi, Aziz, Mohammad Reza Mousavi and Rahim Nowrozi (2018), "The Impact of the American Missile Defense Shield Plan on the Security of Regional Powers; Russia-Iran Case Study", **Political Studies**, Vol. 38, No. 10, pp. 1-30, Available at: <https://sanad.iau.ir/Journal/jourm/Article/960351>, (Accessed on: 13/4/2024), [in Persian].
- Joint Declaration of the Prague Eastern Partnership Summit (2009), **Council of the European Union**, Available at: https://www.consilium.europa.eu/media/31797/2009_eap_declaration.pdf, (Accessed on: 10/4/2024).
- Kalantari, Fathullah and Hassan Mohamadi Monfared (2023), "The Results of the War between Russia and Ukraine in the Formation of the New World Order", **Strategic Defense Studies**, Vol. 21, No. 92, pp. 178-210, Available at: https://sds.sndu.ac.ir/article_2373.html?lang=en, (Accessed on: 22/4/2024), [in Persian].
- Karami, Jahangir and Mohammadreza Sourtchi (2023), "Russia-America Strategic Competition: International Dimensions and Consequences", **Central Eurasia Studies**, Vol. 16, No. 1, pp. 295-317. (doi: 10.22059/jcep.2023.349654.450104), [in Persian].
- Karamzadi, Muslim and Fahima Khansari Fard (2015), "The Study of Ukraine-Russia Relations: Roots of the 2014 Crisis", **Central Asia and the Caucasus Journal**, Vol. 20, No. 86, pp. 135-159, Available at: http://ca.ipisjournals.ir/article_14426.html?lang=en, (Accessed on: 8/4/2024), [in Persian].
- Kurdi, Mehdi (2024), "Examining the Reasons for the Membership of Sweden and Finland in NATO", **Iranian Journal of International Relations**, Available at: <https://www.iirjournal.ir/837>, (Accessed on: 2/4/2024), [in Persian].
- Lohmann, Sascha and Kirsten Westphal (2019), "US-Russland-Politik Trifft Europäische Energieversorgung: die Folgen Unilateraler Sanktionen und

- Wachsender Marktkonkurrenz”, **SWP-Aktuell**. No. 1, pp. 1-8, (doi: 10.18449/2019A01).
- Lokker, Nicholas, Jim Townsend, Heli Hautala and Andrea Taylor (2023), "How Finnish and Swedish NATO Accession Could Shape the Future Russian Threat." **Center for a New American Security**, No. 24, pp. 1-9, Available at: <https://www.cnas.org/publications/reports/how-finnish-and-swedish-nato-accession-could-shape-the-future-russian-threat>, (Accessed on: 9/12/2024).
- Masters, Jonathan and Will Merrow (2024), “How Much Aid Has the U.S. Sent Ukraine? Here Are Six Charts”, Council on Foreign Relations, Available at: <https://www.cfr.org/article/how-much-aid-has-us-sent-ukraine-here-are-six-charts>, (Accessed on: 4/4/2024).
- Matsaberidze, David. (2015), “Russia vs. EU/US through Georgia and Ukraine”, **Connections**, Vol. 14, No. 2, pp. 77-86, (doi: 10.11610/Connections.14.2.06).
- Mazaheri, Mohammad Mahdi (2022), “Does the Membership of Sweden and Finland in NATO Undermine European Security?”, **Institute for Political and International Studies**, Available at: <https://www.ipis.ir/portal/newsview/680888>, (Accessed on: 9/12/2024), [in Persian].
- Mearsheimer, John (2015), **The Tragedy of Great Powers Politics**, Translated by: Chegnizadeh, Fourth Edition, Tehran, Political and International Studies, [in Persian].
- Mearsheimer, John. (2022), “The Causes and Consequences of the Ukraine War”, **Horizons: Journal of International Relations and Sustainable Development**, No. 21, pp. 12-27, Available at: <https://www.cirsd.org/files/000/000/009/75/401141581c665840ebdf7c1304da4a9486211f99.pdf>, (Accessed on: 13/4/2024).
- Michalski, Anna (2009), “The Eastern Partnership: Time for an Eastern Policy of the EU?”, **European Policy Analysis**, No. 14, pp. 1-11, Available at: https://sieps.se/en/publications/2009/the-eastern-partnership-time-for-an-eastern-policy-of-the-eu-200914epa/Sieps-2009_14_epa.pdf(Accessed on: 14/4/2024).
- Mousaei, Ali, Enayatollah Yazdani and Mohammad Ali Basiri (2023), “The Importance of Ukraine and its Role in the Competition and Confrontation between Russia and the West “, **Geopolitics**, Vol. 19, No. 71, pp. 299-329, (doi: 20.1001.1.17354331.1402.19.71.11.6). [in Persian]
- Nord Stream 2 (2021), **Gazprom**, Available at: <https://www.gazprom.com/projects/nord-stream2/>, (Accessed on: 24/3/2024).
- Rezaei, Nima and Mojtaba Shariati (2023), “Investigate the Causes of Heavy Casualties of the Russian Army in the First Sixty Days of the 2022 War with Ukraine”, **Defense Policy**, Vol. 32, No. 3, pp. 177-213, (doi: 20.1001.1.10255087.1402.32.124.7.7), [in Persian].

- Steff, Reuben and Nicholas Khoo (2014), "Hard Balancing in the Age of American Unipolarity: The Russian Response to US Ballistic Missile Defense during the Bush Administration (2001–2008)", **Strategic Studies**, Vol. 37, No. 2, pp. 222-258, (doi: 10.1080/01402390.2013.866556).
- Stoltenberg, Jens. (2024), "NATO Leader Highlights Programs to Increase Defense, Deterrence", U.S. Department of Defense, Available at: <https://www.defense.gov/News/News-Stories/Article/Article/3678551/>, (Accessed on: 21/4/2024).
- The Partnership for Peace (1994), **Congressional Research Service: Library of Congress**, Available at: https://www.everycrsreport.com/files/19940809_94-351_a6f9be314c03364eb813a78bfa9268de74d9881b.pdf, (Accessed on: 19/3/2024).
- Ukraine Aid: Where the Money Is Coming from, in 4 Charts (2024), **CNN News**, Available at: <https://edition.cnn.com/2023/10/05/world/ukraine-money-military-aid-intl-dg/index.html>, (Accessed on: 22/4/2024).
- Valizadeh, Akbar, Simin Shirazi and Hamidreza Azizi. (2015), "The Impact of Ukraine Crisis in 2014 on the Relations of United States of America and Russia", **Central Eurasia Studies**, Vol. 8, No. 1, pp. 149-171, (doi: 10.22059/jcep.2015.54966), [in Persian].
- War in Ukraine, Global Conflict Tracker (2024), **The Center for Preventive Action**, Available at: <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/conflict-ukraine>, (Accessed on: 29/3/2024).
- What Is the Process of Joining NATO and How lucky Is Ukraine to Join the Alliance. (2022), **EuroNews**, Available at: <https://per.euronews.com/2022/02/18/what-is-the-process-of-joining-nato-and-how-lucky-is-ukraine-to-join-the-alliance>, (Accessed on: 27/3/2024).